

بررسی تطبیقی حجاب در اقوام و ادیان الهی

نویسنده زروندی*

چکیده

حجاب همواره یکی از شاخصه‌های اجتماعی دینداری تلقی شده است. مطالعات تاریخی در ادیان الهی نشان دهنده این نکته است که پوشش مناسب همواره مورد تأکید آموزه‌های دینی بوده است. هرچند تاریخ و پیشینه حجاب و پوشش کنونی زنان مسلمان به سده‌های آغازین اسلام بازمی‌گردد، اما به سادگی می‌توان مدعی شد که حجاب مختص آیین مسلمانان و حتی طرفداران ادیان دیگر نیست بلکه در میان اقوام و ملل مختلف نیز وجود داشته است. زیرا لباس و پوشش، طبیعی‌ترین نیاز هر نسلی و به ویژه زنان است که از رهگذر آن می‌تواند خود را از آسیب‌های اجتماعی حفظ کند. در آیین زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، پوشش زنان لازم شمرده شده است. احکام دینی، متن کتاب‌های مذهبی، آیین و آداب و سیره عملی پیروان ادیان الهی، بهترین گواه است. در بررسی ادیان مشخص می‌شود که اسلام، واضح‌ترین حجاب نیست بلکه آن را قانونمند کرده و به صورتی که با روحیه زنان سازگار باشد، ارائه کرده است. در حالی که در سایر ادیان از جمله دین یهود، افراط زیاد و سخت‌گیری‌های فراوان در مورد حجاب وجود داشته است. در این مقاله به بررسی تطبیقی حجاب در اقوام و ادیان الهی می‌پردازیم. چرا که تقریباً هیچ آیین و دینی را نمی‌توان یافت که به نوعی به پوشش زنان حساس نباشد.

ادیان، متناسب با فطرت زنان و بر حسب شرایط خاص زمانی، حفظ حجاب و پوشش را برای آنان در نظر گرفته‌اند. در ادیان زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام، حجاب زن امری لازم و واجب شمرده شده است. در این مقاله ضمن مرور اجمالی بر بحث پوشش زنان در اقوام و ملل مختلف، به بررسی تطبیقی این بحث در میان ادیان مطرح شده و به نقش اسلام در تعدیل آن خواهیم پرداخت.

کلید واژه‌ها: حجاب، ادیان، اقوام

* دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه تهران

مقدمه

پیشینه حجاب و پوشش انسان به اندازه تاریخ آفرینش اوست و در طول تاریخ فراز و نشیب‌های فراوانی را طی کرده است. لباس هر انسانی به منزله پرچم کشور وجود اوست و هر کس که به یک سلسله ارزش‌ها و پیش‌ها معتقد و دل‌بسته است، لباس متناسب با آن ارزش‌ها و پیش‌ها را به تن خواهد کرد. (حداده عادل، ۱۳۷۴، ۴۰). پوشش زن از امتیازات مهم و خاص انسان است. برخی از دانشمندان حیای طبیعی و عفت رفتاری را در انسان و به ویژه در زنان فطری دانسته و آن را لازمه حیات جمعی شمرده‌اند. غریزی و فطری بودن پوشش، موجب شده است که این موضوع به اصل مهمی در همه ادیان الهی و حتی ادیان غیرآسمانی تبدیل شود. داستان حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش را اثبات می‌کند. در قرآن و در تورات (کتاب مقدس یهودیان که برای مسیحیان نیز مقدس است) اشاره شده است که «آن گاه که آدم و حوا از درخت ممنوعه چشیدند، پوشش خود را از دست دادند و فهمیدند که عریان هستند بنابراین، بلافاصله با برگ درختان خود را پوشاندند.» (تورات، باب ۳ - قرآن مجید، سوره اعراف، آیه ۲۲)

این احساس شرم از برهنگی، حتی بدون حضور ناظر بیگانه و سرعت در پوشاندن خود به وسیله برگ‌ها، از آن جهت که بدون هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند صورت گرفته است، بیانگر فطری بودن پوشش در انسان است و ثابت می‌کند که لباس و پوشش به تدریج و با پیدایش تمدن‌ها ایجاد نشده است بلکه انسان‌های نخستین یا به تعبیر بهتر، نخستین انسان‌ها به طور فطری به آن گرایش داشته‌اند.

پوشش به عنوان یکی از مظاهر شرم و حیا و عفت، برای تأمین سلامت روح و روان فرد و جامعه، از اهمیت بالایی برخوردار است و در طول تاریخ، هر جا انسان در مسیر فطرت خدایی خویش قرار داشته، اهمیت آن را احساس کرده و آن را به کار بسته است.

برهنگی، همواره در تاریخ بشری (جز در برخی جوامع معاصر) ناهنجاری و خلاف طبع آدمی محسوب می‌شده است.

مفهوم حجاب چیست؟ آیا حجاب به نیاز اجتماعی بودن زنان پاسخ می‌دهد؟

حجاب از نظر لغوی مصدر «حجب» بحجب است و در کتاب‌های لغت به پوشانیدن، در پرده کردن و نگه داشتن، معنا شده است (حسینی، ۱۳۸۰، ۲۴۳). حجاب، واژه‌ای عربی است و در لغت به معنای پوشش، آنچه بدن خود را می‌پوشانند، حایل، منع کردن، پرده، ستر و نقابی که زنان چهره خود را بدن می‌پوشانند، آمده است. حجاب در لغت همان منع کردن است و بر پوشش نیز اطلاق می‌شود (آشتایی، ۱۳۷۳، ۱۰). در زبان فارسی نیز برای کلمه «حجاب» معانی متفاوتی نقل شده است که از آن جمله می‌توان به پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود را با آن می‌پوشانند، روبنده، برقع، چادری که زنان سراپای خود را بدن بیوشانند، اشاره کرد (رضایی، ۱۳۸۳، ۱۱).

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌آید این تعریف‌ها، تنها در حیطه رفتار شخصی معنا پیدا می‌کند و تنها چارچوب رفتار فردی را تعیین می‌کند. اما ممکن است تصور شود که حجایی که به معنای حایل و حدفاصل بودن است با ارتباطات اجتماعی امروزی که در سطح وسیعی صورت می‌گیرد، تعارض دارد و به سختی قابل جمع شدن است. بنابراین، حجاب مفهوم گسترده‌تری پیدا می‌کند.

استاد شهید، مرتضی مطهری درباره مفهوم حجاب، بیان کرده‌اند که «استعمل کلمه حجاب در مورد پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم کلمه ستر که به معنای پوشش است به کار می‌رفته است. معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود، در حالی که پوشش زن در اسلام این است که زن در

معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به خودنمایی نپردازد. آیات مربوط نیز همین معنا را ذکر می‌کنند» (مطهری، ۱۳۷۷)

وقتی از رابطه پاک و سالم مرد و زن سخن رانده می‌شود، این رابطه به ابزاری احتیاج دارد که همان «حجاب» است. در واقع، حجاب ابزار مناسبی برای حضور سالم زن در اجتماع است. به طور کلی، یکی از لوازم توسعه اجتماعی، مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماع است. در دیدگاه اسلامی این حضور و مشارکت باید عقیقانه باشد و این عفت جز با ایجاد شناخت در زنان و بالا بردن سطح فکری ایشان از یک سو و ایجاد ساختارهای اجتماعی مناسب از دیگر سو محقق نمی‌شود. اگر چنین شد، یعنی زن موقعیت خود را در نظام آفرینش به خوبی دریافت و حقیقت اجتماعی خود را در سطح مؤثر بودن در توسعه نظام الهی دید و شرایط محیطی مناسب نیز برای او فراهم شد از پوشش دینی به عنوان یک نیاز جدی بهره می‌گیرد و هرگز جامعه را صحنه نمایش خود قرار نمی‌دهد (اکبری، ۱۳۸۰، ۱۵). واژه عفت در اغلب منابع به پاکدامنی و خویش‌داری معنا شده است (معین، ۱۳۷۵). اما اگر عفت را در سطح وسیع و در جامعه در نظر بگیریم، می‌توانیم آن را «قانونمند شدن ارتباط زن و مرد» تعریف کنیم. در واقع، حجاب، زمینه‌ساز عفت است و ثمره عفت و قانونمندی روابط مرد و زن در جامعه، بالا رفتن قدرت بهره‌وری آنها و پیشگیری از ایجاد چالش‌های اخلاقی - اجتماعی است.

علاوه بر این، نکته مهم دیگر این است که رعایت حجاب، فرصت رشد شخصیت در ارتباطات اجتماعی را بیشتر فراهم می‌کند. انسانی که پیوسته نگران زیبایی خود است و بیشتر در جهت معرفی پیکر خود می‌کوشد و زندگی‌اش تحت فرمان و اراده‌اش نیست، در حس هویت‌یابی خود شکست خورده، چنین کسی چگونه می‌تواند هویتش را به کمال برساند، زیرا سلیقه و خواست دیگران در زندگی‌اش تأثیر می‌گذارد و چنان زندگی می‌کند که دیگران می‌پسندند نه آن‌گونه که خود می‌پسندد.

بی‌حجاب در اندیشه نمایش خود و نشان دادن زیبایی خویش به دیگران است. این امر که عقدهٔ حقارت انسان را می‌نمایاند، زمینه رشد و تعالی وی را نابود می‌کند. در حالی که زن مانند مرد، یک انسان است و باید از نظر انسانی رشد و تکامل یابد. کسی که با نمایش زیبایی خود و گزینش پوششی ویژه در اندیشه جلب نظر دیگران به سر می‌برد، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر جذابیت‌های ظاهری خویشتن و نه اصالت‌ها و ارزش‌های متعالی خود، جایی در جامعه بیابد. در واقع او از این طریق اعلام می‌دارد که آنچه برایش اصل است و اهمیت دارد، زن بودن اوست نه انسانیت و اندیشه و لیاقت و کارآیی‌اش. چنین فردی قبل از همه اسیر خویش است و به مغازه‌داری شبیه است که پیوسته در اندیشه تزئین ظاهر و تغییر دکور خود به سر می‌برد و فرصت پرداختن به آرزوهای بزرگ‌تر را نمی‌یابد (بواندل ۱۳۸۳).

در حالی که در نگاه اسلام، زنان باید تکامل‌گرا باشند. تکامل‌گرایی زنان به معنی حضور آنان در تغییر موازنه قدرت به نفع اسلام است و این یکی از مؤلفه‌های مهم در تکامل‌گرایی جامعه قلمداد می‌شود.

حضور زن در تکامل‌گرایی به این معناست که افق حساسیت و اندیشه زنان از سطح مسائل خرد و پیش‌یا افتاده به داشتن آرمان‌های بزرگ تغییر یابد. از نظر اسلام، زن صرفاً به خود دعوت نشده است و به رعایت مصالح خود توجه نمی‌کند، بلکه به کمال عمومی جامعه و مشارکتی که می‌تواند در دستگیری از افراد دیگر جامعه داشته باشد، فراخوانده شده است (پروژمند ۱۳۷۹، ج ۱، ۱۲۰-۱۱۸).

بنابراین طبق آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که حجاب، ابزار مناسبی است تا نیاز به اجتماعی بودن زنان به بهترین نحو پاسخ داده شود. پوشش مناسب و عفاف، راه قانونمندی است که به زنان کمک می‌کند به همراه این سلاح مطمئن، بتوانند به طور برابر و در کنار

مردان و دوش به دوش آنها در اجتماع حضوری فعال یافته و همسان آنان راه پیشرفت و ترقی و تکامل را طی کنند.

حجاب در اقوام و ملل

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر اقوام و ملل، حجاب در میان زنان معمول بوده است. این امر در طول تاریخ دستخوش تغییرات فراوانی شده و گرایش‌های مختلف سیاسی، مذهبی، اخلاقی و ... بر آن تأثیرگذار بوده است. براون و اشتایدر، دو نویسنده غربی در کتابی به نام «پوشاک اقوام مختلف»، پوشاک اقوام گوناگون جهان از عهد باستان تا قرن بیستم را به صورت مصور ارائه کرده‌اند. نگاهی کوتاه به این کتاب، روشنگر این واقعیت است که در عهد باستان در میان یهودیان، مسیحیان، زرتشتی‌ها، اعراب، یونانیان و اهالی روم، آلمان، خاور نزدیک و برخی مناطق دیگر پوشش زن به طور کامل رعایت می‌شده است (براون و اشتایدر، ۱۳۷۶). روت ترنویل کاکس نیز طی یک بررسی پنج‌هزار ساله از پوشاک زنان و مردان، نوع پوششی را که در طی این تاریخ طولانی از لباس زنان ارائه می‌دهد آن است که از ابتدا تا آغاز قرن ۱۹ عموماً لباس زنان بلند و کاملاً پوشیده بوده است. فرهنگ، محیط اجتماعی، شرایط جغرافیایی، تمدن و آداب و رسوم ملل مختلف فقط عاملی برای تغییر شکل ظاهری و نحوه تزئین ستر و پوشش آنان است و در مورد نوع پوشش کل بدن در بانوان یکسان بوده و عموماً تمام بدن با منسوجات و پارچه پوشیده می‌شده است. اما پس از انقلاب فرانسه و انگلستان شاهد تغییراتی کلی و اساسی در نوع پوشش زنان در اروپا هستیم. به طوری که لباس، پوشیدگی خود را به میزان زیادی از دست داده و حتی شکل و نوع تزئینات آن نیز کاملاً تغییر کرده است. (روت ترنویل کاکس، ۱۳۸۰، ۵۵). در کتاب «خطرات و خطرات» نیز اشاره شده است که زنان چینی در معابر عمومی جز در ملحفه و پرده ظاهر نمی‌شدند و در خانه نیز دارای اتاق‌های اندرونی و بیرونی بودند (هدایت، ۱۳۶۳، ۴۰۵).

این مطالب به خوبی اثبات می‌کند که در نقاط مختلف جهان نه تنها حجاب و پوشش زن به طور کامل رعایت می‌شده است، بلکه در بعضی از موارد از حد تعادل خارج و به صورت خانه‌نشینی درمی‌آمده است.

پوشش زن در ایران باستان

در میان اقوام و تمدن‌های عهد کهن، پوشش زن ایرانی در مقایسه با پوشش تمدن‌های دیگر کامل‌تر بوده است. از این‌رو، در هیچ کتیبه یا نقش برجسته‌ای نمی‌توان زن ایرانی را حتی با سر برهنه مشاهده کرد. روت ترنر در کتاب «تاریخ لباس» به پرده‌نشین بودن زن ایرانی در عهد باستان چنین اشاره می‌کند: «از زنان ایران باستان، اندکی تندیس به جای مانده است؛ زیرا زنان در زندگی اجتماعی شرکت چندانی نداشتند (مهرآبادی، ۱۳۷۹).

در مورد پوشش زنان ایران باستان، مطالب زیادی در تاریخ وجود دارد. ویل دورانت درباره پوشش زنان ایران باستان و اینکه حجاب بسیار سختی در بین آنها رایج بوده است، می‌گوید: «زنان طبقات بالای اجتماع جرأت نداشتند جز در تخت روان روپوش دار، از خانه بیرون بیایند. هرگز به آنها اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان اختلاط کنند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود» (دورانت، ۱۳۷۶، ۴۳۴).

در ایران باستان، زنان ایرانی برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز و ایجاد حدودی که آنان را از زنان عادی و طبقه پایین جدا کند، صورت خود را می‌پوشانیدند و گیسوان خود را پنهان می‌داشتند. در آن دوران که بیشتر ایرانیان زرتشتی بودند، استفاده از چادر رواج داشته و پوششی بوده که موی سر زنان را می‌پوشانده و تا نزدیکی‌های زانو می‌آمده است. برای همین است که چادر بیشتر از آن که سستی عربی باشد، پوششی ایرانی است. (دانشنامه آزاد ویکی پدیا، ۲۰۰۶).

در کتاب «پوشاک باستان ایرانیان» می‌خوانیم: «... مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند.» (ضیاءپور، ۱۳۴۳). دربارهٔ دورهٔ بعد از مادها، یعنی هخامنشیان نیز می‌نویسد: «از روی برخی نقوش به جا مانده از آن زمان به زنانی بومی برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. زنان، چادری مستطیل شکل بر روی همهٔ لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا به مچ پا نمایان است (فرید وجدی، ۱۳۸۶، ۷۵).

زنان عهد اشکانی نیز قبایلی تا زانو بر تن می‌کردند، با شنلی که برافکنده می‌شد و نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می‌آویختند (همان، ۱۹۷). حجاب در دورهٔ ساسانیان نیز چنان اهمیتی داشت که نوشته‌اند: «حتی لباس هنرپیشگان زن، مانند لباس‌های بلند سایر بانوان، تا پشت پا کشیده شده است (سامی، ۱۳۳۸، ۱۸۶).

هنگامی که سه تن از دختران کسری، پادشاه ساسانی را با ثروت فراوان و اموال بسیار نزد عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی در برابر عمر در حالی که با پوشش و نقاب، خود را پوشانده بودند، ایستادند (السیده الحلویه، ۴۹).

پوشش زن در یونان باستان

دایره‌المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می‌نویسد: «زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند، این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امرجوس و دیگر جزایر شناخته شده بود. زنان فنیقی نیز دارای پوشش قرمز بودند.» سخن دربارهٔ حجاب، در لابه‌لای کلمات قدیمی‌ترین مؤلفین یونانی نیز به چشم می‌خورد، حتی «بنیلوب» (همسر پادشاه «عولیس» فرمانروای ایதாக) نیز با حجاب بوده است. زنان شهر «تیب» دارای حجاب خاصی بودند. بدین صورت که حتی صورتشان را نیز با پارچه می‌پوشاندند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتواند ببیند. در «اسپارته» دختران تا موقع ازدواج آزاد بودند

ولی بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می‌پوشاندند. نقش‌هایی که بر جای مانده حکایت می‌کند که زنان سرشان را می‌پوشاندند ولی صورت‌هایشان باز بوده است و وقتی به بازار می‌رفتند، بر آنان واجب بود که صورت‌هایشان را بپوشانند. حجاب در بین زنان سیبری و ساکنان آسیای صغیر نیز وجود داشته است. زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بودند. به طوری که وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند، تمام بدن را تا روی پا می‌پوشاندند (وجدی، ۱۳۸۶، ۳۳۵).

ویل دورانت، یکی از تاریخ‌نویسان غربی نیز شواهد زیادی دل بر وجود حجاب در بین زنان یونان باستان آورده است. این مورخ می‌گوید: «زنان فقط در صورتی می‌توانستند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند» (دورانت، ۱۳۷۶، ۳۴۰).

در داستان‌های کهن یونانیان، «آرتمیس» الهه عفت است و عالی‌ترین نمونه و الگو برای دختران یونانی است زیرا به زیور عفت و تقوا آراسته است (همان، ۵۲۰).

پوشش زن در میان رومیان

در دوره جمهوری اول روم، زنان پوششی بر سر نداشتند. تعداد بی‌شماری مجسمه و نیم‌تنه از زنان این دوره بر جای مانده است.

در دوران اگوستوس، بین سال‌های ۶۳ قبل از میلاد و ۱۴ بعد از میلاد پوشش دیگری بر لباس زنان افزوده شد. طی چندین قرن برای پوشش سر، استفاده از ردای بلند در میان بانوان روم، نموی طبیعی یافت. بنابراین در نیمه اول هزاره بعد از میلاد، حجاب سر و جامه بلند در میان زنان شمال آفریقا و سواحل شرقی مدیترانه نیز گسترش یافت. شکل دیگر پوشش در این ناحیه، قبل از اسلام که نویسندگان یونان و روم آن را توصیف کرده‌اند، پارچه بزرگی است که به منزله ردای تمام بدن را می‌پوشاند. این جامه را هم مردان و هم زنان می‌پوشیدند، اما به گونه‌ای متفاوت از

یکدیگر. یکی از مهمترین منابع این اطلاعات درباره شکل پوشش در این ناحیه، مجسمه‌های بی‌شماری است که تصویری از نوع پوشش زنان و مردان را نشان می‌دهد که این امر به خوبی نشان می‌دهد که زنان خود را می‌پوشاندند و بعضی از آنها حتی خود را به سختی در لفاف می‌پیچیدند. (سایت تیان، ۱۳۸۲)

حجاب در تاریخ ادیان حجاب در آیین زرتشت

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایرانی از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند (ضیاءپور، ۱۳۴۳، ۲۶-۱۷). این حجاب در سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است (همان، ۷۴، ۱۹۴). بنابراین، در زمان ظهور زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده‌اند (آشتیانی، ۱۳۷۳، ۹۵). بر طبق متون تاریخی در همه آن زمان‌ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و چادر رایج بوده است و زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه رفت و آمد می‌کردند و همپای مردان به کار می‌پرداختند ولی این امور باحجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه‌ای است که در دوران سلطه کامل شاه هنگامی که خشایار شاه به ملکه «وشی» دستور داد که بدون پوشش به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع کرد و از انجام فرمان پادشاه سر باز زد و به خاطر این سرپیچی به حکم داوران، عنوان «ملکه ایران» را از دست داد (قائم مقامی، ۱۰۶). اهمیت حجاب در نزد زنان زرتشتی را در حادثه اسارت دختران کسری (انوشیروان) می‌توان دید. آنها تازیانه‌ها را به جان خود خریدند، اما حاضر به کنار زدن حجاب خود نشدند (آشتیانی، ۱۳۷۳، ۸۹).

در کتاب «پوشاک باستان ایرانیان» در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت‌های میهن ما» در مورد حجاب زنان زرتشتی چنین آمده است: «در میان زنان زرتشتی، پوشاکی که استفاده می‌شود، شباهت بسیاری به پوشاک بانوان دیگر نقاط کشور دارد. چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن آنها شبیه پیراهن بانوان لر است.» (هسگری، ۱۳۸۴، ۳).

«شو زرتشت» با توصیه‌ها و اندرزهای خود کوشیده است تا پایه‌های حجابی را که زنان ایرانی به عنوان یک فرهنگ ملی در ظاهر عرف خود رعایت می‌کنند، در عمق روح آنها محکم نماید و از این راه ضمانت اجرای قانون حجاب را در آینده نیز تأمین کند و بدین‌سان، جامعه خویش را در مقابل انحراف‌های اخلاقی پنهان، بیمه کند (پستا، ۵۳).

حجاب در آیین یهود

رعایت حجاب، عفت و پاکدامنی از دستورات اکید دین یهود است و این امر از جمله مواردی است که از قدیم‌الایام به دقت رعایت می‌شده است. رواج حجاب در میان یهود به گونه‌ای مشهود و مورد تأیید مورخین است که بسیاری از مورخین و اندیشمندان، رعایت حجاب در اقوام دیگر مثل عرب و ایران و... را در اثر ارتباط آنها با ملت یهود می‌دانند و نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته‌اند، بلکه به سخت‌گیری‌های زیاد آنان نیز اشاره کرده‌اند.

رعایت عفت و حجاب از طرف زنان انبیا و بزرگان بنی‌اسرائیل در تورات کنونی و تلمود، کاملاً مشهود است به طوری که عدم رعایت عفت را یکی از علل نزول عذاب الهی در قوم بنی‌اسرائیل دانسته‌اند. رواج حجاب در میان بانوان یهودی در طول تاریخ مورد تأیید همه مورخان است. طبق قوانین یهود عدم رعایت عفت عمومی داری مجازات بوده و حجاب از ضروریات زندگی زنان خصوصاً زنان متأهل است. پس از رنسانس و تحولات اجتماعی اروپا و ایجاد فضای دین‌گریزی در غرب، شعائر دینی از جمله سنت

رعایت پوشش عقیفانه رو به ضعف نهاد و بعضی از زنان یهودی تحت تأثیر فضای اجتماعی دوران تجدد، گاهی حجاب خود را کنار گذاشته و یا گاهی از کلاه گیس به عنوان شکلی از پوشش سر استفاده می‌کردند (دانشنامه آزاد ویکی پدیا، ۲۰۰۶).

بدون تردید، مبنای حجاب در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر حجاب تأکید می‌کرد. کاربرد واژه "چادر" و "برقع" که به معنی روپوش صورت است در آیات، مقررات کیفیت پوشش زنان یهودی را نشان می‌دهد. تورات، تشبه مرد و زن به یکدیگر را نهی نموده، می‌گوید «متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این کار را کند، مکروه یهنویٰ خدای توست» (تورات، باب ۲۲، فقره ۵).

افزون بر موارد فوق در کتاب مقدس، وجوب پوشاندن موی سر (تورات، باب ۵، فقره ۱۸)، لزوم پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه (همان، باب دوم، فقره ۱۰-۸)، و واژه چادر (همان، باب سوم، فقره ۱۵)، نقاب (همان، باب ۴۷، فقره ۱ و ۲) و برقع (همان، باب ۴، فقره ۱) آمده است. در تلمود، اصلی‌ترین کتاب فقهی یهود که به گفته ویل دورانت اساس تعلیم و تربیت یهود است نیز بر لزوم پوشاندن سر از نامحرمین، لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش برای سایر مردها تأکید شده است (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۱۲، ۳۴).

در اصول اخلاقی تلمود، آمده است: «اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنانچه مثلاً بی‌آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سنجی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌کرد همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد» (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۱ و زیدان، ۱۳۷۵، ج ۴، ۴۶۱). به هر حال رعایت حجاب از دیدگاه تورات بدیهی بوده و به اشکال مختلف به آن اشاره شده است و ارزش حجاب را در دین یهود تا حدی دانسته که در موردی برای تنبیه زنان خطاکار، دستور به باز کردن موقتی حجاب آنها داده است (تورات، سفر اعداد). بنابراین

می‌توان نتیجه گرفت که سیره عملی یهودیان مبنی بر استفاده از چادر و برقع و روبند، تفکیک و جدا بودن محل عبادت زنان از مردان در کنیسه، ناشایست شمردن اشعاری که در تمجید زیبایی زنان سروده شده، منع محاوره علنی مردان و زنان حتی بین زن و شوهر، جلوگیری از رفتن به معبد و اجازه ایراد خطابه به زنان از پشت پرده نه تنها بیانگر وجوب حجاب در شریعت یهود می‌باشد، بلکه نشانگر اجرای سخت و شدت عمل قوانین و سیره یهودیان در مورد کیفیت حجاب نیز هست.

حجاب در آیین مسیحیت

در مسیحیت نیز همانند سایر ادیان الهی، حجاب امری معمول و مورد تأیید است. مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد قدم را فراتر نهاد و با سخت‌گیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح کرد. زیرا در یهودیت تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می‌شد. اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، تجرد مقدس شمرده شده و بنابراین، برای از بین بردن زمینه تحریک و تهییج جنسی، زنان به رعایت عفت کامل و دوری از هر گونه آرایش به صورت شدیدتری فراخوانده شده‌اند. البته تعالیم مسیحیت تأکید بیشتر بر ترک عموم لذات دنیوی و از بین بردن شهوت است. لذا رهبانیت در قرن چهارم و پنجم در این آیین به وجود آمد و زنان راهبه مسیحی با رعایت عفت کامل و حجاب مشغول خدمت به مردم شدند. پس از رنسانس، با تضعیف پایبندی به دین، تعظیم همه شعائر دینی و نیز رعایت حجاب رو به افول گذاشت و انقلاب صنعتی به آن شدت بخشید. در قرون اخیر در اثر توسعه سکولاریزم، پایبندی به عفت و حجاب در میان مسیحیان از هر زمان دیگر بیشتر رو به ضعف نهاده است (دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا، ۲۰۰۶).

"جرجی زیدان"، دانشمند مسیحی، درباره تاریخ حجاب می‌گوید: «اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است این وضع پیش از اسلام و حتی پیش از ظهور دینان

مسیح معمول بوده و دیانت مسیح هم تغییری در آن نداده و تا اواخر قرون وسطی در اروپا معمول بوده و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است» (زیدان، ۱۳۷۵، ۹۹۲).

در کتاب مقدس انجیل بر مواردی مانند داشتن عفت و آراستگی به حیا و لزوم پوشیدن لباس مناسب به ویژه در مراسم عبادی تأکید شده است.

ویل دورانت در مورد سیره عملی زنان مسیحی می‌نویسد: «هنگامی که کشیشان، چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند به دستور آنها زن‌ها، چادرها را از حریر زربفت ساختند» (دورانت، ۱۳۷۶، ج ۱۳، ۵۰۰-۴۹۸).

همچنین در متون معتبر تاریخی اشاره شده است که استفاده از خمار، برقع و چادر در بیرون خانه و هنگام عبادت، جزو ارکان اخلاق عیسوی محسوب می‌شد و اختلاط با مردان حتی در کلیسا ممنوع و آرایش و تزئین حتی در روبندها مردود تلقی می‌شد (آشنایی، ۱۳۷۳، ۱۳۰-۱۲۱).

بحث حجاب در آیین مسیحیت با سخت‌گیری‌های شدیدی نیز همراه بوده است. حواریون و پس از آنها پاپ‌ها و کاردینال‌های بزرگ که دستورهایی دینی آنان از طرف کلیسا و مذهب مسیحیت لازم‌الاجرا شمرده می‌شد با شدتی هرچه تمام‌تر زنان را به پوشش کامل و دوری از آرایش جسمی فرا می‌خواندند. دکتر "حکیم الهی" استاد دانشگاه لندن در کتاب "زن و آزادی" درباره حجاب زنان مسیحی چنین می‌نویسد: «زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، الا آن که در خانه خود باشد. زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع شود. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه کند. برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسنبدیده نیست که نزد بیگانگان به زیور آراسته شود و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی شود، زیرا برای بینندگان خطرناک است (الهی، ۵۳). تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و مردم اروپا انتشار یافته است به وضوح نشان می‌دهد

که حجاب در بین زنان کاملاً رعایت می‌شده است. "براون و اشتاینر" در کتاب "پوشاک اقوام مختلف" برخی از تصاویر مربوط به زنان مسیحی را آورده‌اند که نشان می‌دهد همگی آنها دارای لباسی بلند و پوشش سر می‌باشند (براون و اشتاینر، ۱۳۷۶، ۱۱۶).

حجاب در آیین اسلام

اسلام که آخرین آیین الهی و بالطبع کامل‌ترین دین است و برای همیشه و همه بشریت از طرف خداوند نازل شده است، لباس را "هدیه الهی" معرفی کرده و وجوب پوشش زنان را با تعدیل و انتظام مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است و بدین ترتیب از انحرافات یا افراط و تفریط‌هایی که در مورد پوشش زنان وجود داشته است، اجتناب کرده و در تشریح قانون حجاب حد و مرزی متناسب با غرائز انسانی را در نظر گرفته است. بر اساس اصل لزوم هماهنگی و تناسب آفرینش و قانون‌گذاری (روم-آیه ۳۰)، خداوند، لباس و پوشاک را در لایه‌لای نعمت‌های بیکرانیش به بشر ارزانی داشت (اعراف، آیه ۲۷) و اشتیاقی درونی زنان به حجاب را با تشریح قانون پوشش مستحکم ساخت تا گوهر هستی زن صیانت شود و جامعه از فرو افتادن در گرداب فساد و تباهی نجات یابد.

بدون تردید، جهان‌بینی و انسان‌شناسی هر فرهنگ و مکتبی نقش اساسی و مهمی در انتخاب نوع و کیفیت پوشش دارد (شهید مطهری، ۱۳۶۱، ۷۵). بر اساس جهان‌بینی ادیان الهی که انسان خلیفه خداوند و مرکز و محور جهان هستی است و رسالت کسب معرفت و تهذیب نفس و اصلاح جامعه را بر دوش دارد و حیاتش در جهان آخرت نیز ادامه دارد، باید جسم زن و چشم مرد پوشیده شود. بدون شک، پوشش زن در برابر مردان بیگانه، یکی از ضروریات دین اسلام است. در روایات نیز پوشیدن جامعه بدن‌نما و نازک نزد نامحرم (سنن ابی‌داود، ج ۲، ۳۸۳)، آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه (مجلسی، ج ۱۰۳، ۲۴۳)، اختلاط فسادبرانگیز زن و مرد (تاسخ‌التواریخ، ج ۲)، منع شده است و مردان باغیرت به هدایت و کنترل همسر و دختران و عفت نسبت به زنان مردم و دوری از چشم‌چرانی

توصیه شده‌اند (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۴، ۱۳۸ - ۱۴۱). حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است و این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی ممکن است بُعد اول باشد ولی بعد دوم نباشد، در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

شناخت فلسفه حجاب از مسائل مهمی است که آگاهی از آن می‌تواند یکی از پایه‌های تحقق فرهنگ پوشش اسلامی شود و به آن معنا بخشد.

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، طبق آیات قرآنی، قرب به خداوند است که به وسیله تزکیه نفس و تقوی به دست می‌آید (حجرات، آیه ۱۳). همچنین، هدف از تشریح حکم الهی و وجوب حجاب اسلامی، دستیابی به طهارت، عفت و پاکدامنی ذکر شده است (نور، ۳۶).

خداوند سبحان در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: "ای پیامبر، به زنان و دخترانت و نیز به زنان مؤمن بگو که رویوش خود را بگیرند تا به عفاف شناخته شوند و مورد آزار و تعرض هوسرانیان قرار نگیرند و خداوند آمرزنده و مهربان است." واژه "جلباب" که در این آیه شریفه آمده است به معنای پوشش سراسری و روسری بلند است که هنگام خروج از خانه، زنان به وسیله آن سر و صورت خود را می‌پوشانند (طبرسی، ۱۳۳۹، ذیل آیه). اکثر لغت‌شناسان، جلباب را چیزی شبیه به چادر معنا کرده‌اند. از سیاق و روح این آیه می‌توان دریافت که بخش مهمی از امنیت روحی و اجتماعی زنان و ایمنی از آزار ناکسان در گرو پوشاندن بیشتر ظاهر خود از نامحرمان است. در آیه ۳۳ سوره احزاب نیز، زنان از خودنمایی و آشکار کردن زینت‌های خود منع شده‌اند. «هرگز مانند دوره جاهلیت نخستین، برای نامحرمان آرایش و خودآرایی نکنید» به طور کلی در آیات مختلف قرآنی از چند نوع حجاب سخن به میان آمده است:

۱- حجاب چشم: «ای رسول، به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشانند» (تور، آیه ۳۰).

«ای رسول، به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشانند» (تور، آیه ۳۱).
 ۲- حجاب در گفتار: نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است. «زنهار که نازک و نرم با مردان سخن نگویند، مبدا آن‌که دلش بیمار و دارای هوی و هوس است به طمع افتد.» (احزاب، آیه ۳۲).

۳- حجاب رفتاری: نوع دیگر حجاب قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است که به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند (تور، آیه ۳۱).

در احادیث و روایات مختلف نیز ضرورت توجه به حجاب مطرح شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «مصونیت زن، حال او را سرشارتر و جمال او را پایدارتر می‌سازد» (رضایی، ۱۳۸۳، ۵۵). همچنین در حدیث دیگری می‌فرماید: «پوشیدگی زن به حالش بهتر است و زیبایی‌اش را پایدارتر می‌سازد.» (همان). بنابراین حجاب، کمال و وقار زن و نشانگر ارزش و اصالت وی است و خداوند پاداش عظیم و بی‌کرانی را برای زنان تقوی‌پیشه و پاکدامن مقرر داشته است.

از مجموع مباحث مطرح شده به روشنی معلوم می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قابل شدن در هنگام معاشرت زنان با مردان نامحرم در شیوه‌های مختلف رفتار مثل نحوه پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است. بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرمی است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. حجاب آن‌چنان که در آیات و در سوره‌های مختلف در قرآن کریم آمده، سدی برای فعالیت اجتماعی زنان یا پیشرفت علمی و یادگیری دانش برای آنها نمی‌باشد. بلکه مهمترین فلسفه حجاب این است که زنان مسلمان در جامعه

مورد تعرض قرار نگیرند و به شأن انسانی آنها لطمه‌ای وارد نشود. برای تحقق این هدف، اسلام دستورات ویژه‌ای برای زنان مسلمان بیان می‌کند. این دستورات با توجه به شرایط خاص زمان و مکان قابل تغییر می‌باشند. اما همواره اصل کلی، حفظ شأن انسانی زن است که باید رعایت شود. تمام فرقه‌های اسلامی حجاب را واجب می‌دانند و در این امر اتفاق نظر دارند که زنان باید هنگام ادای نماز و در حضور مردان بیگانه، موی سر و تمام اندام خود را به استثنای صورت و دست‌ها (از مج به پایین) بپوشانند. البته شافعیان و برخی از علماء پوشاندن صورت را نیز در حضور بیگانگان لازم شمرده‌اند. در اینجا به پرسشی از امام خمینی (ره) در مورد حدود حجاب و پاسخ ایشان، که می‌تواند نشانگر نظریات دانشمندان مسلمان باشد، اشاره می‌کنیم.

پرسش: حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟ برای این منظور، لباس آزاد و شلوار و روسری کفایت می‌کند و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟ **پاسخ:** واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دست‌ها تا مج از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند مانعی ندارد ولی پوشیدن چادر، بهتر است و از لباس‌هایی که توجه نامحرم را جلب کند، باید اجتناب شود (وحیدی، ۱۳۸۰، ۳۷).

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله به تحریر درآمد، نگاهی مختصر به ارزیابی بحث حجاب از نظر اسلام و ادیان و اقوام دیگر بود. ما به دنبال پاسخ به این سؤال بودیم که آیا اهمیت حجاب، صرفاً مورد توجه اسلام بوده و بس، تا با این بهانه اسلام مورد اتهام های گسترده تبلیغاتی قرار گیرد و از هر سو بر دین حمله کنند، یا اینکه حجاب در ادیان و اقوام دیگر نیز مورد

توجه بوده است؟ طبق آنچه گذشت به این نتیجه دست یافتیم که مسئله حجاب علاوه بر اسلام در ادیان و اقوام دیگر هم مطرح بوده و به آن اهمیت می‌دادند.

* نتیجه بررسی متون تاریخی نشان می‌دهد که در اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است. هرچند در طول تاریخ فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است ولی هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان داری پوشش مناسب نبوده یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند، یاد می‌کنند. طبق بررسی انجام شده در ادیان مختلف زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام، اصل تشریح و وجوب حجاب در همه ادیان مورد تحقیق، امری مسلم و یقینی است. بدون استثنا در همه این شرایع هنگام حضور در مکان‌های مذهبی و به جای آوردن مراسم عبادی یا دعا و نیایش، پوشاندن موی سر بر زنان واجب شده است. به علاوه وجوب پرهیز از چشم‌پهرانی و نگاه به نامحرمات مورد تأکید همه ادیان ذکر شده است. همه ادیان آسمانی، حجاب و پوشش زن را واجب و لازم شمرده‌اند و جامعه بشری را به سوی آن دعوت کرده‌اند.

* از الزام شرعی حجاب در ادیان الهی، می‌توان فطری بودن آن را استنتاج کرد و مشروعیت آن را در ادیان، دلیلی بر فطری بودن آن دانست. زیرا وضع قانون بدون مدنظر قرار دادن خلقت طبیعی و ذوق فطری و غرایز و نیازهای بشری، هرچند از مبدأ اعلی باشد، استمرار نخواهد یافت و اگرچه مدتی رواج یابد اما سرانجام از میان جامعه رخت برخواهد بست. بنابراین اگر مکاتب وحی به وجوب حجاب فرمان می‌دهند، نشانگر عدم مخالفت آن با طبیعت انسان و دلیل تناسب و هماهنگی با ذوق بشری است و اگر در برخی زمان‌ها اهمیت بحث حجاب کمرنگ‌تر شده است به علت وجود برخی موانع بوده که سبب جلوگیری از بروز استعدادهای طبیعی و فطری انسان‌ها شده یا عواملی باعث انحراف آنها از مسیر فطرت شده است.

* از بررسی و مقایسه حد و کیفیت حجاب در ادیان چهارگانه استنباط می‌شود که حجاب ادیان دیگر نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است. به طور مثال مورخین، نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته‌اند بلکه به افراط‌ها و سخت‌گیری‌های بی‌شمار آنان نیز در این زمینه با صراحت اشاره کرده‌اند. در کتاب "حجاب در اسلام" آمده است: «اگرچه پوشش، در بین عرب مرسوم نبود و اسلام آن را به وجود آورد، ولی در ملل غیرعرب به شدیدترین شکل رواج داشت. در ایران و در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می‌کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می‌خواست، وجود داشت. در بین این ملت‌ها، وجه و کفین (صورت و کف دست‌ها) هم پوشیده می‌شد. حتی در بعضی از ملت‌ها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود، بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر را به صورت یک رویه سخت و شدید درآورده بودند» (اشتهاردی، ۱۳۳۹، ۵۰)

* از مقایسه تطبیقی پوشش در ادیان مختلف به این نتیجه می‌رسیم که گرچه در زمان زرتشت پوشش صورت معمول نبوده و بعد از او در میان زرتشتیان معمول شده است اما طبق نوشته تاریخ، چادر و روبند از ارکان اخلاقی مسیحیان و یهودیان محسوب می‌شده است. در حالی که بنا بر نظر اکثر فقهای اسلام، پوشاندن صورت واجب نیست. محق دانستن مرد برای طلاق زنی که صدایش در کوچه شنیده شده بدون پرداخت مهریه در دین یهود، رکن بودن چادر و روبند و ذکر آن به طور صریح در کتاب مقدس و وجوب سکوت زن نزد بیگانه و در کلیسا از طرف مسیحیت، بهترین گواه بر شدت سخت‌گیری ادیان دیگر است. بنابراین، اسلام واضع قانون حجاب نبوده است و برخلاف تصور اشخاصی که ایجاد و وضع قانون حجاب را به اسلام نسبت می‌دهند، حجاب از دیرزمان تاکنون جزو عادات و آداب ملل متمدن جهان بود که اسلام آن را به صورتی متناسب و موافق با مصالح اجتماعی در آورده و به صورت یک حکم مذهبی قرار داده است. از آنجایی که اسلام در تمام موارد از

افراط و تفریط برکنار است و همه احکام خود را بر اساس اعتدال و میانه‌روی و احتراز از زیاده‌روی و کوتاهی مبتنی داشته، موضوع حجاب زنان را نیز بر اصلی معتدل استوار کرده است.

* دین اسلام با در نظر گرفتن چارچوبی متعادل و با توجه به آزادی زنان در تمام عرصه‌های زندگی مسئله حجاب را امری واجب دانسته و با توجه به فلسفه واقعی آن بدون ایجاد هیچ‌گونه محدودیتی زن را از قرار گرفتن در معرض خطرات ظاهری و باطنی محفوظ می‌دارد.

در حجاب اسلامی، سهل‌انگاری مضر و سخت‌گیری‌های بی‌مورد وجود ندارد. یعنی حجاب هم با فطرت عقیقانه زنان هم‌خوانی دارد و هم دیدگاه‌های خشک و متعصبانه را برنمی‌تابد. حجاب اسلامی آن‌گونه که غرب تبلیغ می‌کند، به معنای حبس زن در خانه یا پردفشیبی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست، بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خود را پوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

* نکته دیگری که در بررسی تطبیقی در میان ادیان به دست می‌آید این است که گرچه در هیچ یک از ادیان الهی چهارگانه به لباس یا وسیله خاصی برای پوشش زن اشاره نشده است و حکم به صورت کلی مبنی بر وجوب پوشاندن اندام و موی سر و دوری از آرایش و خودآرایی بیان شده است ولی استفاده از چادر، چارقاله، خمار و حتی برقع و روبند در بین پیروان همه ادیان مورد تحقیق معمول بوده است.

منابع

- ۱- اشتهازی، ابوالقاسم، (۱۳۳۹)، *حجاب در اسلام*
- ۲- اکبری، محمدرضا، (۱۳۸۰)، *حجاب در عصر ما*، تهران، پیام آزادی
- ۳- براند، ناتانیل، (بی‌تا)، *روانشناسی حرمت خور*، ترجمه جمال هاشمی، بی‌جا
- ۴- برون و اشنايدر، (۱۳۷۶)، *پوشاک اقوام مختلف*، ترجمه یوسف کیوان شکوهی، تهران

- ۵- بی‌نام، (بی‌تا)، *السیره العلییه*، جلد ۲، بیروت، انتشارات احیاء التراث العربی
- ۶- بی‌نام، (بی‌تا)، *تاسخ التواریخ*، ج ۲، بی‌جا
- ۷- بی‌نام، (۱۳۸۲)، *حجاب*، ۱۳۸۲، سایت تبیان (www.tebyan.net)
- ۸- پیرومند، علیرضا (۱۳۷۹)، *بررسی تحلیلی الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر*، مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان حوزه علمی
- ۹- تورات، *سفر اهداء*، باب ۵، فقه ۱۸
- ۱۰- تورات، *سفر پیدایش*، باب ۳
- ۱۱- تورات، *سفر کنیه*، باب ۲۲، فقه ۵
- ۱۲- تورات، *کتاب اشعیاء نبی*، باب ۵۷، فقه ۱ و ۲
- ۱۳- تورات، *کتاب اطفال سلیمان نبی*، باب سوم، فقه ۱۵
- ۱۴- تورات، *کتاب روت*، باب دوم، فقه ۸-۱۰
- ۱۵- تورات، *کتاب منزل‌های سلیمان*، باب ۴، فقه ۱
- ۱۶- حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۷۴)، *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، تهران، انتشارات سروش
- ۱۷- حر عاملی، محمد، (۱۴۱۴ ق)، *وسائل الشیعه*، ج ۴، قم، آل‌البت (علیهم‌السلام)
- ۱۸- حسینی، حسین، (۱۳۸۰)، *سراج*، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما
- ۱۹- حکیم الهی، (بی‌تا)، *زن و آزادی*، مترجم: احمد مهدب، تهران، چاپ‌خانه و کتابفروشی مرکزی، تاریخ نشر= دوره رضاشاه
- ۲۰- *دانشنامه آزاد*، *حجاب*، ویکی‌پدیا، www.fa.wikipedia.org، 2006
- ۲۱- دورانت، ویل، (۱۳۷۶)، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، انتشارات علمی فرهنگی
- ۲۲- دورانت، ویل، (۱۳۵۵)، *لغات فلسفه*، ترجمه دکتر عباس زریب خونی، تهران، نشر اندیشه
- ۲۳- راسل، برتراند، (۱۳۶۲)، *زناشویی و اخلاقی*، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر کلوین
- ۲۴- رضایی، اصغر، پوریانین نژاد، یوسف، (۱۳۸۳)، *حجاب آزادی یا اسارت*، تبریز، نشر احرار
- ۲۵- زیدان، جرجی، (۱۳۷۵)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه جواهر کلام.
- ۲۶- سامی، علی، (۱۳۶۸)، *تمدن ساسانی*، شیراز

- ۲۷- سکری سرور، محمد، (بی تا)، *نظام‌الزواج فی الشریع الیهودیة و المسیحیة*، دارالفکر العربی
- ۲۸- سنن ابی داود، ج ۲
- ۲۹- شهرزادی، رستم، (۱۳۷۶)، *آموزش‌های زرتشت پیامبر ایران*، انجمن زرتشتیان
- ۳۰- صدر، حسن، (۱۳۵۷)، *حقوق زن در اسلام و اروپا*، تهران، جاویدان
- ۳۱- ضیاءپور، جلیل، (۱۳۴۳)، *پرشاک باستانی ایرانیان*، تهران، انتشارات هنرهای زیبای کشور.
- ۳۲- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۳۹ش)، *مجمع‌البیان*، بیروت، احیاء التراث العربی
- ۳۳- علویقی، علی‌اکبر، (۱۳۷۵)، *زن در آیین تاریخ*، تهران
- ۳۴- فرماج، بطروس، (۱۸۸۲ م)، *ابضاح‌التعلیم المسیحی*، مطبعه‌الاباء المرسلین الیهوسین.
- ۳۵- فرید وجدی، محمد، (۱۳۸۶)، *دایره‌المعارف قرن ۱۴ تا ۲۰*، مصر، مطبعه دایره‌المعارف القرن
- العشرین
- ۳۶- قائم مقامی، فرغت، (بی تا)، *آزادی یا اسارت*، (بی جا)
- ۳۷- کتاب مقدس (*عهد جدید و عهد قدیم*)، (۱۹۸۷ میلادی)، ترجمه انجمن کتاب مقدس، رساله
- پولس رسول به قورنتیان*، باب ۱۱ و ۱۴، قفر، ۱۷-۱ و ۳۶-۳۴
- ۳۸- مجلسی، محمدباقر، (بی تا)، *بحارالانوار*، ج ۱۰۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ۳۹- محمدی آشتابلی، علی، (۱۳۷۳)، *حجاب در ادیان الهی*، قم، نشر
- ۴۰- مشکینی، علی، (۱۳۶۶)، *ازدواج در اسلام*، قم، الهی
- ۴۱- مطهری مرتضی، (۱۳۶۱)، *جهان‌بینی توحیدی*، قم، انتشارات صدرا
- ۴۲- مطهری مرتضی، (۱۳۷۷)، *مسأله حجاب*، قم، انتشارات صدرا
- ۴۳- معین، محمد، (۱۳۷۵)، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر
- ۴۴- مهرآبادی، میترا، (۱۳۷۹)، *زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی*، انتشارات آفرینش، نشر روزگار
- ۴۵- مهریزی، مهدی، (۱۳۷۶)، *بلوغ دختران*، قم، ناشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- ۴۶- وحیدی، محمد، (۱۳۸۰)، *احکام بانوان*، قم، انتشارات عصمت
- ۴۷- ویل کاکس، روت ترنر، (۱۳۸۰)، *تاریخ لباس*، ترجمه شیرین بزرگمهر، تهران، انتشارات توس
- ۴۸- هدایت، مهدیقلی، (۱۳۱۳)، *خطرات و خطرات*، تهران، کتابفروشی زوار